

حسن عبدالقزنده

اگر بخواهیم به یکی از وجوه متمیزه انقلاب اسلامی اشاره کنیم، بی‌تردید بعد معنوی آن خواهد بود که به مثابه نقطه عطفی در تاریخ تحولات اجتماعی کشور و در راستای کمال جویی نسل انقلاب ظهور و بروز یافت؛ پدیده‌ای که در چارچوب منطق تحلیلی هیچ یک از نظریه پردازان نگنجدیده و ارزیابی علت وقوع آن نیازمند تأمل بیشتر است. نسل انقلاب با رویکردی جدید به معنویت، بدان ابعاد تازه‌ای بخشید و الهام بخشی گروه‌هایی ازهم نسلان خود در سایر جوامع شد. از این رو انقلاب اسلامی با ارائه الگویی نو برای زندگی اجتماعی، واجد خصیصه روشن معنویت‌گرایی بوده و «انقلاب به‌نام خدا» لقب گرفت. این پدیده با شکل دادن به معنویت‌گرایی فعال و حاضر در عرصه‌های مختلف اجتماع، فرضیات موجود در قالب تئوری‌های فلسفی پیرامون کارکرد مذهب و معنویت را به چالش گرفت.

یادکردی از پیوند معنوی امام‌ورزندگان در روزهای آفتابی دفاع مقدس

گرفتن دامن دوست به دست ارادت

یکی از جلوه‌های بارز معنویت‌گرایی نسل انقلاب رابطه خاص این نسل با رهبر انقلاب و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی(ره) و شکل دادن به مفهوم «امام وامت» از پس چندین قرن فاصله و رکود بود؛ رابطه‌ای که از عمق جان برآمده و با باورهای ایمانی همراه شد. این رابطه در مسلک و مذهب خاصی منحصر نبوده و در مرزهای جغرافیایی نیز محدود نماند و جان‌های شایسته و مستعد را مخاطب قرار داد.

معنویت نسل انقلاب حرف‌های بسیاری برای گفتن داشت و به‌عنوان نهادی اجتماعی – فرهنگی، هدفمندی و آرمانگرایی تازه‌ای را در معرض تجربه بشری قرار داد. با آغاز جنگ تحمیلی و فراهم شدن زمینه‌های مرگ هدفمند و شهادت طلبی، معنویت‌گرایی نسل انقلاب با توسعه شتابان مواجه شده و جایگاه ویژه‌ای یافت و از موقعیت کنونی در ایجاد انگیزه ایثار و از خود گذشتگی که در دوران دفاع مقدس بسیار کارایی داشت، برخوردار شد. ترکیب سنی جمعیت کشور در آن دوران که تقریباً نیمی از آن را جوانان شکل می‌دادند به‌دلیل ویژگی‌های دوره جوانی، به دامنگیر شدن این پدیده کمک کرد و تاریخی استثنایی در این مقطع رقم خورد.

تغییرات بنیادین در ارزش‌های جامعه

معنویت نسل انقلاب حرف‌های بسیاری برای گفتن داشت و به‌عنوان نهادی اجتماعی – فرهنگی، هدفمندی و آرمانگرایی تازه‌ای را در معرض تجربه بشری قرار داد. با آغاز جنگ تحمیلی و فراهم شدن زمینه‌های مرگ هدفمند و شهادت طلبی، معنویت‌گرایی نسل انقلاب با توسعه شتابان مواجه شده و جایگاه ویژه‌ای یافت و از موقعیت کنونی در ایجاد انگیزه ایثار و از خود گذشتگی که در دوران دفاع مقدس بسیار کارایی داشت، برخوردار شد. ترکیب سنی جمعیت کشور در آن دوران که تقریباً نیمی از آن را جوانان شکل می‌دادند به‌دلیل ویژگی‌های دوره جوانی، به دامنگیر شدن این پدیده کمک کرد و تاریخی استثنایی در این مقطع رقم خورد.

تغییرات بنیادین در ارزش‌های جامعه

با شیوه‌ای غیر از شیوه‌های شورشی و عیانی‌های ناگهانی به وقوع می‌پیوندد، زیرا این شیوه‌ها با عصبانیت و خشونت همراه بوده و به اخلاق فرصت ابرار وجود نمی‌دهد. در همین راستا تغییرات انقلاب اسلامی نیز از نوع تغییرات تمدنی بود که از انقلاب اسلامی مردم ایران، پدیده‌ای نادیر و استثنایی که از اعمال خشونت بویژه خشونت اجتماعی پرهیز داشت، ساخت و محرومیت طبقه فقیر اجتماع موجب غارت و ایلغار و هرج و مرج نشد چرا که ارزش‌های مسلط در شرایط وقوع انقلاب مبتنی بر اصولی بود که پایبند باید و نبایدهای اخلاقی بود. دلیل این وضعیت شکل‌گیری انقلاب در بستری معنوی به‌صورت روندی و ایجاد نسبتی وثیق میان آرمان‌های انقلابی و معنویت اسلامی بدینج، توسط رهبری آن از ابتدا بود. از آنجا که محور این حرکت، مرجعی اقلیدر – امام خمینی(ره) – بود که خود وی نیز عامل به رویه‌های پرهیز از خشونت و توأم با رفت دینی بود، پیروان از وی تأثیر پذیرفته و بجز چند مورد استثنایی، خشونت قابل ذکری در نتیجه انقلاب به وقوع نپیوست.

از این رو می‌توان از کسانی که در جست‌وجوی قالب‌های تحلیلی پیرامون انقلاب اسلامی هستند پرسید، جایگاه انسان در دیدگاه‌های فلسفی و نظریه‌های آنان در ارتباط با انقلاب اسلامی مردم ایران چیست؟ و به جای خالی نظریه‌هایی که به نقش ساختاری انسان انقلاب اسلامی پرداخت اشاره نمود. انسان انقلاب اسلامی، انسان‌تر از تعالیم مکتب است که همزمان با طلیعه انقلاب اسلامی به صحنه آمد و مجال یافت تا دیدگاه‌های آرمانی خود را در عرصه حیات اجتماعی جامه عمل نپوشاند و براساس اندیشه و الگوی دینی آینده خود را رقم زند. کوشش برای حاکمیت بخشیدن

به ارزش‌های آرمانی جوهره نهضت مردم ایران را تشکیل می‌دهد؛ همان ارزش‌هایی که بیش از یک قرن در آفاق فکری هر ایرانی حضور و نمود داشته و آزادی و استقلال در رأس آنها قرار دارد. با طلوع فجر بهمن ۱۳۵۷ مدیریت توسعه آرمانی کشور به دست فرزندان لایق این مرز و بوم افتاد و اندیشه ملهم از وحی و عقل، ساماندهی اجتماعی برپایه

معنویت‌گرایی را عهده‌دار شد.

وجه غالب تجربه انقلاب اسلامی مردم ایران براساس درک دینی استوار است و الگوی رفتاری و هنجاری، مطلوب‌ها و آرمان‌های آن نیز بر همین مبنا قابل بازشناسی‌اند. انقلاب اسلامی رهیافت‌های تازه‌ای را پیش روی مردم نهاد تا با یاری آن راه‌های عبور از «وضعیت موجود» به «وضعیت مطلوب» را بیابند.

با آغاز جنگ تحمیلی دوران پرداختن به مفاهیم توضیح‌دهنده وضعیت آرمانی گسترش یافت و آموزه‌های

هدایتی کلام وحی و سنت‌های معنویت گستر با ویژگی‌های فرهنگی – تاریخی جامعه در آمیخت. فصل جامع آن اندیشه و تأثیرگذاری را می‌توان در شخصیت امام خمینی(ره) دید. امام خمینی(ره) با عزم راسخ و با اتکا به اراده نستوه مردم، اخلاق را پشتوانه بالندگی و توسعه کشور نمود و با روشن‌اندیشی مدینه فاضله را در عرصه مناسبات دنیایی قابل دسترس نشان داد.

معنویت مورد رواج امام خمینی(ره)، نفی روابط ظالمانه، کسب آزادی‌های مشروع و قطع ایادی بیگانه در امور کشور بود که علت‌العلل خروش همدلانه مردم سلحشور ایران در روزهای انقلاب برشمرده می‌شد. ایرانیان با انگیزه الهی یا به معرکه قیام نهادند و با رهبری امام خمینی(ره) سرنوشت کشور را با ایثار جان و مالشان به دست گرفتند و فصلی پر افتخار را در تاریخ ملت‌ها به‌نام خود رقم زدند تا انسان ایرانی از موهبت استقلال و آزادی برخوردار باشد و در پرتو استقلال، فارغ از سیطره اجانب به ایرانی آباد و سربلند بیندیشد و به یمن آزادی، خود برای خود تصمیم بگیرد و امیدوارانه چشم به افقی روشن داشته باشد.

■ ارتباط امام با رزمندگان در چارچوب ساز و کاری معنوی

امام خمینی(ره) از ارتباط معنوی با رزمندگان سازوکاری کارآمد ایجاد نمود تا از بروز شکاف جلوگیری شده و موجب ایجاد تقاهم و انسجام در جامعه شود. امام براین مبنا ارزش‌هایی را که مقبولیت عمومی داشته و از موقعیتی معنوی برخوردار بودند رواج داد و از آنها حمایت مؤثر نمود. این ارزش‌ها در طول سال‌های دفاع مقدس و در یک فرایند هشت ساله تبدیل به بستری شد که توانست به‌عنوان عامل مقوم ساختار درونی فرهنگ عمومی و پایداری سیاسی عمل کند. بی‌تردید ترویج این ارزش‌ها بر کارکرد آنها افزود و توجه و احترام عمومی را بیش از پیش نسبت به دستاوردهای ارزشی دفاع مقدس جلب کرد.

برپایه این باور امام خمینی(ره) فرهنگ رزمندگی را گرامی داشت و سمبل‌های آن را مورد تجلیل قرار داد. علاوه بر آن نمادها و هنجارهایی با تفسیر و بیانی تازه از زبان امام(ره) به یاری فرهنگ ایثار آمد تا فرهنگ عمومی را ارتقا و جلا دهد. «...ماها و نویسنندگان و گویندگان و سخنوران اگر بخواهیم ارزش عمل این شهیدان و جانبازان راه خدا را و فدکاری آنان و حجم پیامد این شهادت‌ها و جان نثاری‌ها را بشماریم، شاید ناچار باشیم به عجز خود اعتراف کنیم، تا چه رسد به مراتب معنوی و مسائل انسانی و الهی آن، که بی‌شک عاجز و وامانده می‌باشیم. آنان که از اینگونه عشق به لقاءالله و شهادت و بارقه‌های باطنی و جلوه‌های روحی که از ثمراتشان اینگونه عشق است، غافل هستند تا آخر عمر چون من قلم شکسته اسیر گره‌های طبیعت و دامهای شیطانی می‌باشند، دستشان از قله بلند این تحولات معجزه آسای الهی کوتاه است. پس اولی آن است که به بعضی پیامدهای ظاهری مشهود پردازیم. چه. که ارزیابی همه جانبه آن نیز میسر نیست. (صحیفه امام جلد ۱۷ص ۲۲)

در واقع گرامیداشت معنویت رزمندگان و ایثارگران، گرامیداشت «انسان تراز انقلاب اسلامی» بود که در کوران دفاع مقدس مجال یافت تا دیدگاه‌های آرمانی خود را در عرصه حیات اجتماعی جامه عمل پوشاند و در یک فرایند معنوی و در راستای اندیشه و الگوی سازوار دینی حماسه ستیگی را رقم زند. پاسداشت این همه کوششی بود برای حاکمیت دادن به ارزش‌های متعالی و عینیت بخشیدن به جوهره نهضت‌های دیرپای انبیا که ملهم از وحی‌اند. از این رو می‌توان گفت:وجه غالب تجربه دفاع مقدس براساس درک متقابل معنوی میان امام و رزمندگان استوار است و الگوهای رفتاری و هنجاری، مطلوب‌ها و آرمان‌های آن نیز بر همین مبنا قابل بازشناسی‌اند.

«..... این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه آسا ایجاد فرمود، از آن جمله این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با

تحول نسلی، امری معمول و از جمله مباحث مطرح در حوزه جامعه شناسی است. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در همین ارتباط می‌فرماید: «لا تقسروا اولادکم علی اخلاقکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم» فرزندان‌تان را به اخلاق – آداب – و خوی‌های خودتان منحصر و مقید مسازید. چه آنها برای زمانی غیر زمان شما آفریده شده‌اند. (۱۰ گفتار، مرتضی مطهری) نسل انقلاب و جنگ در دهه اول انقلاب از فرهنگ ویژه‌ای برخوردار بود که آن فرهنگ در نسل‌های بعد به‌طور طبیعی به نسل‌های دیگر استمرار نیافت؛ اینکه نسل اول چه بود و از چه ویژگی‌هایی برخوردار بود یا اینکه می‌توان از تعبیر «شکاف نسلی» برای تغییر فرهنگ نسل‌ها استفاده کرد یا نه، موضوعی است که قابل تأمل است.

اختلافات فردی و گروهی و نیز توضیح فرهنگ و منافع و رفتار نسل‌ها، به اندازه «طبقه اجتماعی» اهمیت دارد؛ اگر فاصله میان تولد والدین و تولد فرزندان را که معمولاً سی سال است یک نسل به‌شمار آوریم، دو نسل بعد از نسل جنگ یا به عرصه وجود نهاده و به مرحله درک اجتماعی رسیده است.

از نظر جامعه شناسی، بین آرزوها و آمال دو نسل، تفاوت وجود دارد؛ به‌صورت طبیعی، هیچ نسلی آنچه تمام نمای آرمان‌های نسل قبل و انعکاس دهنده ویژگی‌های آنان نیست؛ هر نسل صرف‌نظر از خوب و بد، شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارد که البته به‌دلیل شرایط خاص جامعه ما تفاوت نظرگاه‌های نسلی بیشتر به چشم می‌آید. شکاف نسلی به‌خودی خود نوعی بحران محسوب می‌شود، زیرا زمینه ساز گسست نسلی و دور شدن نسل‌ها از یکدیگر و آسیب‌های ناشی از آن است. فاصله نسل‌ها می‌تواند از جهات عاطفی و فکری، همچنین ارزش‌های مسلط وضعیت جدیدی را در جامعه ایجاد کند؛ در این چنین وضعیتی به نسل‌های بعد می‌تواند یار و یاور کشور در شرایط اضطرار باشد.

قدر مسلم نسل انقلاب و جنگ هنوز حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و در صورت انتقال فرهنگ دهه اول انقلاب به نسل‌های بعد می‌تواند یار و یاور کشور در شرایط اضطرار باشد. آرمان‌های نسل انقلاب و جنگ کهنه شدن نیست و همیشه تاریخ دارای اصالت و عظمت است و متعلق به ابدیت اند؛ باید جاذبه‌های آن را به نسل‌های بعد نشان داد تا سلحشوری و اعتماد به نفس در نسل جنگ منحصر نماند؛ برای این منظور باید عظمت کارهای نسل انقلاب و جنگ را به تمامه و بدون کم و کاست آنگونه که بود به نسل‌های بعد منتقل کرد و از اغراق‌های مشمزن کننده پیرامون اشخاص و حوادث دوری گزید.

یک جهش برق آسای معنوی و روحی با دست رحمت حق تعالی از منجلابی که برای آنان با دست پلید استیکار جهانی که از آستین امثال رضاخان و محمدرضاخان و دیگر سرسپردگان غرب با شرق تهیه دیده بودند، نجات یافته و یکشنبه ره صدساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاءالله را از حد شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کردار در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت بی‌سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد. اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را، که با گریه از من عقب مانده تقاضای دعا برای شهادت می‌کنند، مشاهده می‌کنم از خود مایوس و از آنان شرمند می‌شوم و

ضرورت انتقال فرهنگ نسل انقلاب و جنگ به نسل‌های بعد

داده‌های آماری نشانگر آن است که نسل‌های دوم و سوم بعد از جنگ ۷۰درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این سرمایه بزرگ در وضعیت متفاوت از نسل جنگ قرار دارد و شناختی صحیح از این نسل و ویژگی‌هایش وجود ندارد. اما اطلاعات جسته و گریخته حاکی از آن است که این جمعیت انبوه در وضعیتی قرار دارد که به ارزش‌های ملی در جزئیات اهمیت چندانی نمی‌دهد و تنها در هویتی کلان احساس «همبودی» دارد؛ در تظاهر به مظاهر فرهنگی گزینہ گریز را ترجیح می‌دهد و بیشتر بر جوهره‌ها تکیه می‌کند. این تفاوت اگر بدست‌ی شناسایی و فهم شوند و با شیوه‌های صحیح با آنها برخورد شود، نه تنها آسیب محسوب نشده بلکه چه بسا موجب پختگی و ارتقای نسل‌های بعد شود.

مهم‌ترین دغدغه نسل‌های جدید تحول‌خواهی، نوگرایی و سرزندگی است، چنانکه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرزندان خود را نه برای امروز، بلکه برای بیست سال آینده تربیت کنید، یعنی در واقع بیست سال بعد، مانند امروز نخواهد بود و فضای معنایی بیست سال بعد نیز با فضای معنایی امروز تفاوت خواهد داشت. بنابراین، دگرگونی در نسل‌های بعدی تا اندازه زیادی طبیعی است، اما اگر شکاف نسل‌ها به معنی انقطاع از نسل انقلاب که دو پدیده مهم انقلاب و جنگ را مدیریت کرده است دچار گردیست؛ و در نسل‌های بعد این استحاله به گونه‌ای خواهد بود که مفاهیم و ارزش‌های انقلاب و جنگ در نسل‌های جدید مایه تفاخر ملی نخواهد بود و مفاهیم ارزشی و الگوها و گروه‌های مرجع دیگری جای آنها خواهد نشست. این امر، یک واقعیت گریزنه‌پایر است که باید بدان توجه داشته باشیم.

قدر مسلم نسل انقلاب و جنگ هنوز حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و در صورت انتقال فرهنگ دهه اول انقلاب به نسل‌های بعد می‌تواند یار و یاور کشور در شرایط اضطرار باشد. آرمان‌های نسل انقلاب و جنگ کهنه شدن نیست و همیشه تاریخ دارای اصالت و عظمت است و متعلق به ابدیت اند؛ باید جاذبه‌های آن را به نسل‌های بعد نشان داد تا سلحشوری و اعتماد به نفس در نسل جنگ منحصر نماند؛ برای این منظور باید عظمت کارهای نسل انقلاب و جنگ را به تمامه و بدون کم و کاست آنگونه که بود به نسل‌های بعد منتقل کرد و از اغراق‌های مشمزن کننده پیرامون اشخاص و حوادث دوری گزید.

■ توسعه معنوی اهتمام امام خمینی(ره)

هنگامی که عکس‌های متعدد این شهیدان نورس نورانی را می‌نگرم و ارزش‌های انسانی و مقامات الهی آنان، که خود از آنها به مرحله‌هایی دور هستم غبطه می‌خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می‌کنم و آن شجاعت‌ها و شهامت‌های فوق تصور را از آنان مشاهده می‌کنم احساس حقارت نموده، به پیشگاه پیامبر بزرگ اسلام، صلی‌الله علیه‌وآله. و حضرت بقیةالله، روحی لمقدمه افداء، به خاطر چنین اتمی و پیروانی متعهد و مجاهد تبریک عرض می‌کنم و از خداوند تعالی ولی نعمت و حافظ امت سپاسگزارم. (صحیفه امام جلد ۱۷ ص ۲۰۵)

رویکرد مدیریت توسعه آرمانی و معنوی امام خمینی(ره) بر مبنای رهیافت‌های دیانت اسلام استوار بود که عبور از



مرکز اسناد انقلاب اسلامی

“

با آغاز جنگ تحمیلی

دوران پرداختن به مفاهیم

توضیح‌دهنده وضعیت آرمانی

گسترش یافت و آموزه‌های

هدایتی کلام وحی و سنت‌های

معنویت گستر با ویژگی‌های

فرهنگی – تاریخی جامعه

در آمیخت. فصل جامع آن

اندیشه و تأثیرگذاری را می‌توان

در شخصیت امام خمینی(ره)

دید. امام خمینی(ره) با عزم

راسخ و با اتکا به اراده نستوه

مردم، اخلاق را پشتوانه

بالندگی و توسعه کشور نمود و

با روشن‌اندیشی مدینه فاضله را

در عرصه مناسبات دنیایی قابل

دسترس نشان داد.

«وضعیت بحران» به «وضعیت عادی» را تسهیل می‌کرد چرا که در این دوران، مفاهیم آرمانی بسیاری به عرصه آمده و آموزه‌های هدایتی و سنت‌های رفتاری بسیاری با ویژگی‌های اخلاقی، فرهنگی و تاریخی وجود داشت که با عنصر ایرانیت در آمیخته و می‌شد فصل جامعی از تأثیرگذاری را در فرهنگ دفاع مقدس مجتمع دید. سلحشور مردان دفاع مقدس با عزم راسخ و با اتکا به اراده نستوه خواستار بالندگی و توسعه کشور بودند و با روشن‌اندیشی مدینه فاضله را به‌عنوان یک چشم‌انداز جست‌وجو می‌کردند.

... مادامی که این ملت، این حالی که الآن دارند که توجه به معنویت تا یک حدودی و این جوان‌های ما توجه به معنویت دارند و این تحول عظیم پیدا شده است در آنها که شهادت را با جان و دل می‌خرند، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسلامی محفوظ است و هیچ کسی نمی‌تواند به او تعدی کند. آن روزی که زرق و برق پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد، آن روز است که ابرقدرت‌ها می‌توانند در ما تأثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند. همیشه این کشور به واسطه این کاخ نشین‌ها تباهی داشته است. این سلاطین جور که همه کاخ نشین تقریباً بودند، اینجا به فکر مردم نمی‌توانستند باشند، احساس نمی‌توانستند بکنند فقر یعنی چه، احساس نمی‌توانستند بکنند بی‌خانمانی یعنی چه، اینجا اصلاً احساس این را نمی‌توانستند بکنند. وقتی کسی احساس نکند که فقر معنایش چی است، گرسنگی معنایش چی است، این نمی‌تواند به فکر گشنه‌ها و به فکر مستعدانی باشد. اینجا می‌تواند که در بین همین جامعه بزرگ شده‌اند و احساس کردند فقر چی است، دیدند، چشیدند فقر را، احساس می‌کردند، ملموسشان بوده است که فقر یعنی چه، اینجا می‌توانند به حال فقا برسند. کوشش کنیم که این وضعیت در همه ما محفوظ باشد. در مجلس ما، در ارگان‌های دولتی ما، در مجاهدین ما، در ارتش ما، در قوای مسلحه، در قوای قضائیه باید این معنویت محفوظ بماند؛ توجه به خدا محفوظ بماند. توجه به خداست که یک نفر را از آن صحرای گرم عربستان و از آن مرکز همه جهالت‌ها منبعت می‌کند و یک همچو بساط عادی و یک همچو انسان‌هایی را تربیت می‌کند و یک همچو ملت را ایجاد می‌کند. از شاهنشاهی این چیزها نمی‌آید. شبان است که می‌تواند راه بیفتد و در مقابل فرعون بایستد. از یک نفر نظیر خود فرعون این کار نمی‌آید. ما باید آدم تربیت کنیم، نه شکمبار. اسلام می‌خواهد انسان درست کند. اسلام می‌خواهد که استقلال محفوظ باشد و استقلال با توجه به دنیا ممکن نیست حاصل بشود. اینهایی که الآن هم برای ملت‌های خودشان آن طور تباهی ایجاد می‌کنند اینهایی‌اند که در کاخ نشسته‌اند و نمی‌دانند گرسنگی یعنی چه، فقط توجه را منافع خودشان دارند و می‌بینند که امریکا منافع خودشان را حفظ می‌کند، منافع خودش را حفظ می‌کند و منافع اینها هم تا آن حدودی که اینها محفوظ باشند برای خودش، حفظ می‌کند. یک همچو اشخاصی نمی‌توانند به فکر ملت و استقلال برای خودشان درست کنند، حتی برای حیوانات خودشان، برای سگ‌های خودشان کار درست می‌کنند. اینجا نمی‌توانند به فکر مردم و آن گرسنه‌هایی باشند که در کشورهای خودشان هست و لهذا می‌بینیم که نفت همین مردم بیچاره را می‌برند به جیب امریکا می‌ریزند و ملتشان آن طور گرسنه و پابره‌نه هستند. اینجا این توجه به زرق و برق دنیا انسان را از آن احساس انسانی اش می‌برد، یک حیوان است در بین مردم راه می‌رود. کوشش کنید معنویت را تقویت کنید در بین این ملت. با معنویت است که شما می‌توانید استقلال خودتان را حفظ کنید و آزادی خودتان را حفظ کنید و به مراتب کمال برسید....» (صحیفه امام جلد ۱۷ ص ۳۷۷)

دفع تجاوز ظالمانه و قطع امید عناصر بیگانه در تهاجم سراسری به کشور، شاهیت خروش همدلانه رزمندگان سلحشور در طول هشت سال دفاع مقدس بود. حماسه‌سازان با انگیزه الهی یا به معرکه جنگ گذاشتند و با رهبری هوشمندانه امام خمینی سرنوشت کشور را با ایثار جان و مال به دست گرفتند و فصلی پر افتخار را در تاریخ ملت ایران رقم زدند. امروز هم عنصر ایرانی دل در گرو معنویت و اصالت دوران دفاع مقدس دارد و در راه پاسداری از موهبت استقلال و آزادی آماده فداکاری است.